

## بررسی وضعیت حقوقی مستمری‌بگیر غایب در مقررات تأمین اجتماعی و مقایسه اجمالی با غایب مفقودالاثر

محمد رضا جوان جعفری<sup>۱</sup>

احمد کتابی رودی<sup>۲</sup>

### چکیده

مواد ۱۰۱۱ به بعد قانون مدنی و مواد ۱۲۶ به بعد قانون امور حسبی ۱۳۱۹ به نهاد حقوقی موت فرضی شخصی می‌پردازد که ممات و حیات وی نامعلوم است. در این قوانین، غایب مفقودالاثر دارای تعریف و احکام خاصی است. از جمله آثار مفقودالاثر شدن شخص، امکان تصرف ورثه در اموال شخص غایب است. در تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۷ نیز به غیبت مستمری‌بگیر از کار افتاده و بازنشسته اشاره شده است. بر این اساس چنانچه حیات و ممات مستمری‌بگیر غایب به مدت دست کم ۶ ماه نامعلوم باشد، بازماندگان واجد شرایط وی حق دارند موقتاً مستمری و یا حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا و دریافت کنند. در این پژوهش این نتیجه حاصل می‌آید که بین غایب مفقودالاثر موضوع قانون مدنی و مستمری‌بگیر غایب موضوع قانون تأمین اجتماعی هیچگونه ارتباطی وجود ندارد و هر کدام از این نهادها منبعث از شرایط و ویژگی‌های خاص خود تأسیس گردیده‌اند. بنابراین نمی‌توان تمامی آثار حقوقی را که بر نهاد غایب مفقودالاثر وارد است، در مورد مستمری‌بگیر غایب نیز جاری ساخت.

**کلمات کلیدی:** تأمین اجتماعی، مستمری بازماندگان، غایب مفقودالاثر، موت فرضی.

## مقدمه

زوجه غایب مفقودالایر پس از غیبت شوهر خود با مشکلات عدیده رو به رو می‌شود. از یک سو باید خانواده را اداره کند و از سوی دیگر نفقه او برعهده شوهرش بوده که او اکنون در بین نیست (شکاری و کریمیان، ۱۳۹۰، ص ۲۴۲). در مواردی ممکن است زوج تحت تکفل زوجه باشد و زوجه (مستمری‌بگیر) غایب شود و با غیبت زوجه، زوج تحت تکفل دچار مشکلات مالی و اقتصادی گردد. بر همین اساس قانونگذار به حقوق همسر و اولاد غایب مفقودالایر بی‌توجه نبوده و حمایت‌هایی را نسبت به افراد تحت تکفل فرد مفقودالایر به عمل آورده که از جمله آنها برخورداری از مزایای بازماندگان موضوع قانون تأمین اجتماعی است.

ابتدا می‌بایست مفهوم نهاد فوت فرضی و غایب مفقودالایر را دانست. کلمه غایب در دو معنا به کار رفته است: ۱- غایب از موطن (محل اقامت معمولی) خود که اصطلاحاً غایب از بلد خوانده می‌شود و انقطاع خبر از او محرز نیست. در این حال اگر دسترسی به او نباشد و اقدامی در مالی از اموال او لازم شود حاکم ولایت دارد که نصب امین موقت بر غایب کند و امین در این موارد اقدام کند. ۲- اگر خبر از او منقطع شود او را غایب مفقودالخبر گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۴۵). شیخ طوسی در کتاب مبسوط نیز غیبت را به دو نوع غیبت منقطعه و غیرمنقطعه تقسیم‌بندی می‌کند. غیبت غیر منقطعه غیبتی است که شخص از شهر خارج شده و ما می‌دانیم به کجا می‌رود و زنده است و اما غیبت منقطعه آن است که فرد مفقود شده و خبر از او قطع می‌شود و نمی‌دانیم زنده است یا مرده (شیخ طوسی، ۱۳۸۸ هـ ق، ج ۵، ص ۲۸۷) به عبارت ساده غایب مفقودالایر کسی است که به او دسترسی نیست و اثری از حیات و ممات او هم وجود نداشته باشد. کلمه اثر در این عبارت عام بوده و همه نشانه‌های ممکنه را چه به صورت خبر و چه به صورت غیر خبر در بر می‌گیرد (پروین، ۱۳۷۸، ۴۷)

مطابق ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی غایب مفقودالایر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد. قید کلمه بالنسبه در این ماده به لحاظ شخص غایب و محل او می‌باشد که نسبت به اشخاص فرق می‌کند (حائری شاه باغ، ۱۳۷۶، ص ۸۴۸). قانونگذار معیارهایی جهت احراز سپری شدن مدت بالنسبه مدید مقرر نکرده است؛ ولی در ماده ۱۰۲۰ همان قانون اقدام به پیش‌بینی اماره قضایی کرده است. مطابق این ماده: «موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود: ۱- وقتی که ۱۰ سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضاء مدت مزبور سن غایب از ۷۵ سال گذشته باشد. ۲- وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هر گاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود. ۳- وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن

کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد».<sup>۱</sup> پس از سپری شدن این مدت‌هاست که دادگاه می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید. اموال شخص غایب و نیز اموال شخصی که حکم موت فرضی وی صادر می‌شود، تحت شرایطی به تصرف موقت و دائم ورثه داده می‌شود (امامی، ۱۳۷۷، صص ۲۴۰-۲۳۳). طبق ماده ۱۰۲۸ نیز امینی که برای اداره اموال انتخاب می‌گردد می‌بایست نفقه زوجه و اولاد غایب را از محل اموال وی تأدیه نماید.<sup>۲</sup> در واقع قانونگذار چنین فرض کرده که ممکن است غیبت شخص موجب فشار مالی بر افراد خانواده وی گردد. از همین رو مقرر کرده است که حتی قبل از سپری شدن مهلت‌های مقرر و صدور حکم موت فرضی نیز نفقه زوجه و اولاد بدون نیاز به تشریفات خاص از اموال غایب پرداخت گردد. در برخی از کشورها از جمله انگلستان صدور حکم موت فرضی غایب مفقودالاثر را بیشتر به عرف نسبت می‌دهند. در انگلستان اگر بتوان به طریقی از مرگ غایب مطمئن گردید به فوت او حکم می‌دهند. مثلاً شخص مریض و زمین‌گیری که در خانه ای بوده و آن خانه آتش گرفته است را به منزله فوت در نظر می‌گیرند. برعکس اگر حیات فرد بیشتر محتمل باشد به سختی حکم به موت فرضی شخص می‌دهند. مثلاً در مورد دختری انگلیسی که در خارجه کاتولیک شده و ارسال مراسلات را به خانواده خود قطع کرده بود را پس از هفت سال مفقودالاثر بودن، با دریافت ضمانت از ورثه، دادگاه اموال غایب را به تصرف آنها درآورده است. مشروط به اینکه در صورت بازگشت غایب، وراثت می‌بایست از عهده اموال او برآیند. زن غایب هم بعد از هفت سال می‌تواند شوهر کند ولی اگر غایب برگشت، ازدواج دوم ملغی می‌شود (شایگان، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴). در فرانسه نیز امکان فسخ عقد نکاح با غیبت زوج وجود ندارد. یعنی زن شخص غایب باید تا آخر عمر بی شوهر بماند زیرا به موجب ماده ۲۲۷ قانون مدنی فرانسه عقد نکاح منحل نمی‌شود مگر به مرگ یکی از زوجین یا طلاق و مطابق این قانون طلاق غایب هم میسر نیست (همان، ص ۱۳۵). احکام مذکور که در خصوص غایب مفقودالاثر است با احکام مربوط به شخص مستمری‌بگیر غایب که در قانون تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده است متفاوت می‌باشد که ذیلاً به توضیح مقررات در این زمینه پرداخته می‌شود.

در قانون الحاق یک تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۸ آمده است: «هرگاه مستمری‌بگیر بازنشسته یا از کارافتاده به مدت شش ماه مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی کلی خود را مطالبه ننماید، بازماندگان واجد شرایط

۱. همچنین رک به مواد ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ قانون مدنی.

۲. «امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین می‌شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطع که مدت او نگذشته و نفقه او را زوج تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارایی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن بر عهده محکمه است».

وی حق دارند موقتاً مستمری و یا حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا و دریافت کنند. در صورتی که معلوم شود شخص مذکور در حال حیات است وضع مستمری او به حالت اول اعاده می‌گردد. بازنشستگان کلیه صندوق‌های بازنشستگی کشور نیز مشمول این تبصره خواهند بود». بر این اساس به صرف عدم مطالبه مستمری بازنشستگی یا مستمری از کارافتادگی در یک مدت ۶ ماهه و البته معلوم نبودن حیات و ممات مستمری‌بگیر، وجه مستمری به بازماندگان وی پرداخت می‌گردد.

مستمری دارای ماهیتی متفاوت از ماهیت ترکه است. همچنان که تعریف و مصادیق بازماندگان و ورثه نیز ضرورتاً با هم انطباق ندارند. در این پژوهش به مطالعه شرایط جاری شدن فرض مرگ مستمری‌بگیر و احکام و آثار جاری شدن این فرض و وضعیت بازماندگان در دوران نامعلوم بودن حیات و ممات مستمری‌بگیر و پس از آن خواهیم پرداخت. در گفتار اول شرایط جاری شدن حکم تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی مطالعه می‌شود. گفتار دوم به احکام و آثار جاری شدن این فرض اختصاص دارد؛ سپس در گفتار سوم به وضعیت بازماندگان در حالت مشخص شدن مرگ یا حیات مستری‌بگیر پرداخته می‌شود.

### ۱) شرایط جاری شدن حکم تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی

حقیقت این است که مبنای وضع تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی در خصوص پرداخت مستمری به بازماندگان واجد شرایط مستمری‌بگیری که حیات و ممات وی در طول ۶ ماه نامعلوم است، صرفاً حمایت از بازماندگان مستمری‌بگیر می‌باشد نه جاری شدن فرض موت مستمری‌بگیر. توضیح اینکه قانونگذار به هیچ‌وجه در مقام نسخ یا تخصیص مقررات راجع به غایب مفقودالاثر در قانون مدنی و قانون امور حسبی نبوده است تا گمان نسخ برود. همچنین شائبه تخصیص نیز مردود می‌باشد. بدین معنی که قانونگذار احکام ویژه‌ای برای غایب مفقودالاثر شدن مستمری‌بگیران مقرر نکرده است. از اینرو نمی‌توان گفت احکام مستمری‌بگیر غایب را باید در قانون مدنی و قانون امور حسبی جستجو کرد چراکه در خصوص غیبت این افراد باید به قانون تأمین اجتماعی مراجعه نمود. قانونگذار در مقام اموال غایب نیز قائل به تخصیص نشده است. توضیح اینکه می‌توان گفت با تصویب تبصره الحاقی، قانونگذار در مقام مستثنی ساختن وجه مستمری از کارافتادگی و یا مستمری بازنشستگی با سایر اموال غایب بوده است. باید افزود چنانچه قانونگذار در مقام جاری ساختن فرض موت فرضی بود، قاعدتاً باید سایر آثار حقوقی ناشی از موت فرضی را در مورد مستمری‌بگیر غایب نیز می‌پذیرفت. وانگهی با وجود مقررات قانون مدنی به ویژه ماده ۱۰۲۸ زوجة غایب قبل از سپری شدن مهلت‌های مقرر و حتی بدون نیاز به جری تشریفات آگهی، در زمان سپری شدن عده بدلیل رجعی بودن طلاق، حق نفقه خواهد داشت (قاسم زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷۰). حتی بنا به دیدگاه برخی از حقوقدانان، پس از صدور حکم موت فرضی نیز زن مستحق نفقه بوده و از دارایی غایب تأدیه می‌شود (امامی، ۱۳۷۷، جلد ۴، ص ۲۵۵). براساس ادله و

مستندات فقهی نیز از جمله روایات: صحیحہ حلبی، روایت ابی الصباح الکنانی و صحیحہ برید بن معاویہ بر پرداخت نفقه زوجه غایب تأکید شده است (ر.ک: صفایی و خیریه، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳-۱۱۲). بنابراین با وجود مقررات قانون مدنی و ضوابط شرعی مبنی بر پرداخت نفقه اساساً نیازی به تکرار همان حکم در قانون تأمین اجتماعی نبوده است و اینجاست که تفاوت این دو نهاد آشکار می‌گردد.

پس نمی‌توان گفت مبنای تصویب تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی، جاری شدن فرض مرگ مستمری‌بگیر است. این فرض از عبارت مقنن در مقررہ مذکور مبنی بر اینکه «در صورتی که معلوم شود شخص مذکور در حال حیات است» ناشی می‌شود. با اینحال نمی‌توان انکار کرد که در این مورد خاص (فقط در مورد مستمری‌بگیران و فقط در خصوص وجه مستمری)، قانونگذار چنین فرض کرده است که عدم مطالبه در طی مدت ۶ ماه اماره‌ای بر غیبت مستمری‌بگیر است.

با این مقدمه شرایط استفاده بازماندگان مستمری‌بگیر از مستمری از کارافتادگی یا بازنشستگی بیمه‌شده اصلی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### ۱-۱) اختصاص حکم تبصره به مستمری بازنشستگی و مستمری از کارافتادگی

مقررات تبصره الحاقی مبنی بر پرداخت وجه مستمری به بازماندگان مستمری‌بگیر، اختصاص به وجه مستمری از کارافتادگی و بازنشستگی دارد. دلیل انحصار روشن است. مستمری‌های مقرر در نظام تأمین اجتماعی عبارتست از: الف - مستمری بازماندگان، ب - مستمری از کارافتادگی، ج - مستمری بازنشستگی.

**الف: مستمری بازماندگان:** این مستمری اساساً به بیمه‌شدگان تبعی (واجد شرایط قانونی) پرداخت می‌گردد. افراد تحت تکفل بیمه‌شده تبعی برخلاف افراد تحت تکفل بیمه‌شده اصلی، مستحق دریافت مستمری بازماندگان نیستند. از اینرو چنانچه شخصی که مستمری بازماندگان دریافت می‌دارد، فوت نماید، به بازماندگان وی از این جهت حمایتی تعلق نمی‌گیرد.

**ب: مستمری بازنشستگی:** به بیمه‌شده اصلی پرداخت می‌گردد که برای وی حکم بازنشستگی صادر شده باشد. برخلاف مستمری بازماندگان، این مستمری به بیمه‌شده اصلی پرداخت می‌شود. قانونگذار افراد تحت تکفل بازنشستگان (بیمه‌شده‌ای که مستمری بازنشستگی دریافت می‌دارد) را مشمول حمایت قرار داده است. بدین معنی که با فوت او، وجه مستمری بازنشستگی تبدیل به مستمری بازماندگان گردیده و به افراد تحت تکفل وی پرداخت می‌شود.

**ج: مستمری از کارافتادگی:** مطالب مذکور در بند پیشین در خصوص از کارافتادگی نیز صادق است. با این توضیح که مستمری از کارافتادگی بر دو نوع است. جزئی و کلی. لیکن حکم تبصره الحاقی صرفاً در خصوص مستمری از کارافتادگی کلی و بازنشستگان می‌باشد.

لازم به ذکر است حکم این تبصره اختصاص به بیمه‌شدگان صندوق تأمین اجتماعی نداشته و در مورد

بیمه‌شدگان سایر صندوق‌های بیمه‌ای از جمله صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح نیز جاری است.

### ۱-۲) سپری شدن ۶ ماه از آخرین مطالبه مستمری‌بگیر

شرط دوم بهره‌مندی بازماندگان مستمری‌بگیر غایب، سپری شدن دست کم ۶ ماه از آخرین مطالبه مستمری‌بگیر است. مقصود از مطالبه، مطالبه و دریافت مستمری از صندوق‌های بیمه‌ای است. در عمل مراجعه مستمری‌بگیر به بانک عامل ملاک محاسبه ایام سپری شده قرار می‌گیرد. البته مقنن با این فرض که عدم دریافت مستمری اماره‌ای بر غایب مفقودالثر بودن یا فوت شدن مستمری‌بگیر است، قانون را تنظیم کرده است و به این فرض که ممکن است مستمری‌بگیر به دلیل تمکن مالی از مراجعه به بانک و دریافت مستمری خودداری کرده باشد، توجه نکرده است. هر چند که در عمل چنین موضوعی نباشد. فرض تبصره بر این است که مستمری‌بگیر شخصاً یا به واسطه وکیل خود مستمری را دریافت می‌نموده و اینک ۶ ماه است که اقدام به مطالبه نکرده است. پس باید دانست چنانچه مستمری‌بگیر به شخصی وکالت یکساله در دریافت مستمری داده یا اینکه طی درخواستی، تقاضای واریز وجه به حساب بانکی داده باشد، صرف همین اقدام مطالبه محسوب گردیده و دیگر نمی‌توان عدم مراجعه ۶ ماهه را غیبت مستمری‌بگیر محسوب نمود. به عبارتی مطالبه حضوری به خودی خود موضوعیت ندارد. ماه از نظر قانون ۳۰ روز است. مطابق ماده ۴۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹: «از نظر احتساب مواعد قانونی، سال دوازده ماه، ماه سی روز، هفته هفت روز و شبانه روز بیست و چهار ساعت است». بر این اساس شرط استفاده از حکم تبصره، گذشت ۱۸۰ روز از تاریخ عدم مطالبه مستمری می‌باشد.

### ۱-۳) شرایط مربوط به بازماندگان

پس از آنکه مستمری‌بگیر در طی مدت ۶ ماه مستمری خویش را مورد مطالبه قرار نداد، بازماندگان وی می‌توانند تحت شرایطی درخواست اجرای حکم تبصره را بنمایند.

### ۱-۳-۱) شرایط قانونی بازماندگان

هم در قانون مدنی و هم در تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی، به موضوع تأمین معاش بازماندگان شخص غایب توجه شده است. لکن آنچه که به عنوان تأمین معاش بازماندگان غایب مطابق قانون مدنی پرداخت می‌گردد «در حکم نفقه» می‌باشد؛ اما از تأمین معاش بازماندگان مستمری‌بگیر غایب در قانون تأمین اجتماعی می‌توان با عنوان «در حکم مستمری بازماندگان» یاد کرد.

نکته قابل تأمل اینکه شرایط مربوط به برخورداری بازماندگان از حمایت‌های مقرر در هر یک از قوانین

فوق‌الذکر متفاوت است.

مطابق قانون تأمین اجتماعی، تنها بازماندگان واجد شرایط مستمری‌بگیر می‌توانند تقاضای اجرای حکم تبصره مبنی بر تبدیل مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی به مستمری بازماندگان را بنمایند. در واقع شرط بهره‌مندی از مستمری بازماندگان، تحت تکفل بودن واقعی یا فرضی بازمانده می‌باشد. بر اساس ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت مستمری را خواهند داشت عبارتند از:

- ۱- عیال دایم بیمه‌شده متوفی که با اصلاحات جدید مندرج در ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده و آیین‌نامه اجرایی آن، ازدواج وی مانع دریافت مستمری نیست و دریافت حقوق یا مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی توسط زوجه متوفی نیز مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست.
  - ۲- فرزندان متوفی نیز به تفکیک فرزندان اناث و ذکور دارای شرایطی می‌باشند. فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن بیست سالگی و بعد از آن منحصراً در صورتی که معلول از کارافتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند از مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.
  - ۳- پدر و مادر متوفی در صورتی که اولاً تحت تکفل او بوده ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی از کارافتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند.
- مطابق ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی و اصلاحات آن نیز بازماندگان بیمه‌شده زن با شرایط زیر از مستمری استفاده خواهند کرد:

- ۱- شوهر مشروط بر اینکه اولاً تحت تکفل زن بوده ثانیاً سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی از کارافتاده بوده و در هر حال مستمری از سازمان دریافت نکند.
- ۲- در خصوص فرزندان بیمه‌شده زن متوفی نیز همانند مردان مشمول در خصوص فرزندان عمل می‌گردد. لازم به ذکر است مطابق ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷) «فرزندان در صورتی که واجد شرایط دریافت مستمری بازماندگان از طریق هر یک از والدین باشند، از هر دو مستمری برخوردار خواهند شد.»

در خصوص وابستگی اقتصادی زوجه دایمی و اولاد، قانونگذار فرض قانونی (legal Fiction) قائل شده است که خلاف آن قابل اثبات نیست. بدین معنی که صرف اثبات تمکن مالی اولاد و یا زوجه به خودی خود موجب زوال مفهوم وابستگی اقتصادی نمی‌گردد. اما در مورد والدین بیمه‌شده اصلی، تحت تکفل بودن واقعی ملاک است. بدین معنا که تمکن مالی والدین موجب محرومیت از مستمری بازماندگان خواهد

شد (نعیمی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۵۲).

در مقابل در ماده ۱۰۲۸ قانون مدنی در خصوص غایب مفقودالاثَر پرداخت نفقه به زوجه دایمی و تحت شرایطی به زوجه موقت و نیز به اولاد غایب مورد اشاره قرار گرفته است و مطابق قانون امور حسبی و ضوابط عام قانون مدنی به سایر افراد واجب النفقه نیز در صورت حصول شرایط تعلق می‌گیرد. از این رو تفاوت مفاد این ماده با تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی در خصوص مشمولین حمایت این است که مستمری موضوع تبصره الحاقی به هیچ‌وجه به زوجه منقطعۀ پرداخت نمی‌شود؛ ولی در قانون مدنی ممکن است چنین اتفاقی روی دهد.

### ۱-۳-۲) تقاضای اجرای حکم تبصره الحاقی

قانونگذار در تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی، تکلیف صندوق‌های بیمه‌ای را به پرداخت مستمری به بازماندگان منوط به تقاضای آنان مطابق شرایط مقرر در این تبصره نموده است. از این رو صندوق‌های بیمه‌ای راساً تکلیفی به برقراری مستمری ندارند.

پرسشی که به ذهن می‌آید به تأثیر زمان تقاضا برمی‌گردد. چنانچه مستمری‌بگیر موضوع تبصره الحاقی، از تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۸۷ دیگر مستمری خویش را مورد مطالبه قرار نداده است؛ بازماندگان واجد شرایط در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۰ تقاضای دریافت وجه مستمری را می‌نمایند. در این صورت این پرسش به ذهن می‌آید که آیا مستمری محدوده زمانی این ۳ سال نیز قابل مطالبه است؟ پاسخ سؤال تا حدی به ماهیت مستمری بازماندگان مرتبط است. اگر مستمری مذکور را نفقه بدانیم فقط زوجه دایمی حق مطالبه دارد؛ زیرا بر طبق قانون مدنی فقط زوجه می‌تواند نفقه ایام گذشته را مطالبه نماید، در حالیکه اساساً مستمری بازماندگان نفقه نمی‌باشد.

به هر تقدیر، در مورد تاریخ بهره‌مندی از حمایت‌های تأمین اجتماعی بطور کلی دو نظر مطرح بوده است: ۱- متقاضی حمایت، فقط از زمان تقاضا (با فرض وجود شرایط قانونی) مستحق برخورداری از حمایت‌های تأمین اجتماعی است؛ ۲- متقاضی از زمان تحقق شرایط قانونی، مستحق دریافت مستمری است. هرچند اصول حاکم بر تأمین اجتماعی در خصوص مستمری بازماندگان مؤید نظر دوم است، لکن از نحوه تدوین تبصره الحاقی به ماده ۸۰ چنین استنباط می‌گردد که قانونگذار استحقاق بازماندگان را در دریافت مستمری تنها پس از ارائه تقاضا پذیرفته است.<sup>۱</sup>

بررسی رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۳۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۱ نظر دوم را تأیید

۱. از جمله ماده ۹۵ قانون استخدام کشوری ۱۳۴۵: «هرگاه مستخدمی که طبق مقررات این قانون از حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه استفاده می‌کند مفقودالاثَر شود و مدت یک سال حقوق بازنشستگی و یا وظیفه خود را مطالبه نکند وراث قانونی او در صورتی که طبق شرایط ماده ۸۶ حقوق وظیفه به آنان تعلق گیرد حق دارند موقتاً حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا کنند. اگر بعداً معلوم شود مستخدم مذکور فوت شده حقوق وظیفه موقت از تاریخ فوت به طور دائم برقرار می‌شود و در صورتی که معلوم شود در حال حیات است وضع حقوق او به حالت اول اعاده می‌گردد».



می‌کند: «اولاً، نظر به اینکه به موجب نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۷۴۸۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲ قائم مقام دبیر شورای نگهبان ماده ۱۰ آیین‌نامه معترض‌عنه توسط فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع تشخیص داده نشده از این حیث قابلیت ابطال ندارد. ثانیاً، هر چند به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۶۴۳ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۲ برخورداری وراث مستخدم متوفی از مستمری قانونی مربوط منوط به احراز شرایط قانونی لازم توسط سازمان بازنشستگی کشوری براساس تقاضای ورثه واجد شرایط می‌باشد، لیکن این حکم الزاماً به معنای برقراری مستمری از تاریخ تقاضا نبوده و بند (ب) ماده واحده قانون «اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری وراثت کارمندان مصوب ۱۳۳۸/۹/۲۸ و برقراری حقوق وظیفه در مورد فرزندان و نوادگان اناث با اصلاحات بعدی» نیز پرداخت حقوق وظیفه و مستمری نسبت به فرزندان و نوادگان اناث را علی‌الطلاق منوط به نداشتن شوهر و شغل دانسته است. لذا ماده ۱۰ آیین‌نامه معترض‌عنه<sup>۱</sup> که برقراری حقوق وظیفه و مستمری را مقید به تاریخ تقاضا نموده و این قید مغایر اطلاق مندرج در قانون می‌باشد، به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد»<sup>۲</sup>.

از مجموع مطالب فوق‌الذکر چنین برداشت برمی‌گردد که احکام مربوط به مستمری بازماندگان در تبصره الحاقی به ماده ۸۰ با احکام مربوط به مستمری بازماندگان در قانون تأمین اجتماعی به طور کلی، متفاوت است. توضیح اینکه مستمری بازماندگان مطابق تبصره الحاقی صرفاً از زمان مطالبه بازماندگان برقرار می‌گردد؛ چراکه مقنن از عبارت «موقتاً» استفاده نموده است. بدین معنی که قانونگذار در خصوص بازماندگان مستمری‌بگیر غایب صرفاً در یک محدوده زمانی محدود و به صورت موقت تعیین تکلیف کرده است. در حالیکه در مورد مستمری بازماندگان بیمه‌شده متوفی، به دلیل روشن بودن وضعیت حیات و ممات بیمه‌شده شرایط مستمری بازماندگان از زمان فوت بیمه‌شده محقق می‌گردد و مطالبه بازماندگان در هر زمان که صورت گیرد تأثیری در دریافت مستمری از زمان فوت بیمه‌شده نخواهد داشت و بازماندگان می‌توانند مستمری معوقه خود را نیز وصول نمایند.

## ۲) ماهیت مستمری موضوع تبصره الحاقی به ماده ۸۰

مطابق مفاد تبصره، با سپری شدن ۶ ماه از آخرین مطالبه مستمری‌بگیر، وجه مستمری به بازماندگان وی پرداخت می‌شود. از منظر حقوق تأمین اجتماعی ناچار می‌بایست قائل بر این بود که مستمری از کارافتادگی یا مستمری بازنشستگی موضوع تبصره به مستمری بازماندگان تبدیل شده و سپس به بازماندگان

۱. «فرزندان و نوادگان اناثی که براساس این آیین‌نامه مستحق دریافت حقوق وظیفه یا مستمری می‌باشند باید ظرف مهلت شش‌ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه به دستگاه متبوع مورث خود مراجعه و کتباً تقاضای دریافت حقوق وظیفه یا مستمری خود را بنمایند تا حقوق وظیفه یا مستمری آنان با رعایت مقررات این آیین‌نامه از تاریخ تصویب قانون (۱۳۶۲/۱۰/۲) برقرار گردد. در مورد کسانی که پس از این تاریخ مراجعه می‌کنند، تاریخ برقراری حقوق مذکور، تاریخ مراجعه و تقاضای آنها خواهد بود».

۲. دادنامه شماره ۳۳۵ مورخ ۷۶/۵/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز موید این معنا است.

پرداخت می‌گردد. زیرا برخلاف سایر مستمری‌ها، مستمری بازماندگان (البته باید گفت مستمری مرگ) مستقیماً به بازماندگان پرداخت می‌شود.

هر چند شباهت این نهاد با برخی از نهادهای حقوقی دیگر غیرقابل انکار است تا آنجا که برخی به ارث اجتماعی و بعضی دیگر به نفقه و... روی آورده‌اند. (ر. ک به: پرتو، ۱۳۸۸، ص ۵۸ به بعد). اما در مورد ماهیت مستمری بازماندگان باید گفت به نظر می‌رسد، مستمری بازماندگان دارای ماهیت حقوقی خاص باشد که در قالب هیچ یک از ماهیات حقوقی شناخته شده از جمله ارث و نفقه نمی‌گنجد. مستمری مزبور دارای ماهیتی قانونی است و در نتیجه باید احکام و قواعد آن در مواد مربوطه جستجو گردد.

### ۳) احکام و آثار جاری شدن فرض مرگ مستمری‌بگیر

با سپری شدن ۶ ماه از تاریخ آخرین مطالبه مستمری‌بگیر، قانونگذار جهت حمایت از بازماندگان مقرر داشته است که وجه مستمری به بازماندگان مستمری‌بگیر پرداخت شود. سپری شدن این مدت و حتی دریافت مستمری از سوی بازماندگان به خودی خود نه اماره غیبت مستمری‌بگیر است و نه می‌تواند موجبی برای صدور حکم موت فرضی باشد. زیرا شرایط صدور این حکم و نیز سپری شدن مدتی که پس از آن شخص، زنده فرض نمی‌شود در مواد ۱۰۱۱ به بعد قانون مدنی آمده که کمترین آن ۴ سال پس از آخرین خبر از حیات غایب است. در همین راستا و برای نمونه زوجه مستمری‌بگیر نمی‌تواند به صرف وجود شرایط تبصره الحاقی، درخواست صدور حکم طلاق نماید.

اثر اجرایی و یا وجود شرایط تبصره الحاقی در همین حد است که بازماندگان واجد شرایط مستمری‌بگیر می‌توانند تا زمان روشن شدن خبر حیات یا ممات مستمری‌بگیر، به صورت موقت مستمری موضوع تبصره را دریافت دارند.

دلیل تفاوت مذکور می‌تواند تفاوت میان جایگاه قانون مدنی و قانون تأمین اجتماعی می‌باشد. اساساً قانون تأمین اجتماعی جای پیش‌بینی مقررات راجع به احوال شخصیه از جمله ارث و تعیین حیات و ممات شخص نمی‌باشد.

### ۴) وضعیت بازماندگان در حالت مشخص شدن مرگ یا حیات مستمری‌بگیر

اگر پس از برقراری مستمری بازماندگان، مرگ بیمه شده اصلی مسلم و احراز شود، این وضعیت یعنی پرداخت مستمری بازماندگان ادامه می‌یابد. چنانچه برعکس معلوم شود که زنده است، وضعیت به حالت پیشین بر می‌گردد؛ یعنی اینکه اشخاص تحت تکفل او دیگر حق دریافت مستمری یا حقوق وظیفه مقرر را نخواهند داشت و تنها شخص بیمه شده اصلی حق مطالبه مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی خود را دارا خواهد بود. به عبارت دیگر در فرض اخیر کشف می‌شود که موردی برای پرداخت مستمری بازماندگان

وجود ندارد و این امر موضوعاً منتفی است (نعیمی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۳۴۲ و ۳۴۳).  
پرسی که مطرح می‌گردد مربوط به وجوهی است که تا زمان مشخص شدن حیات مستمری‌بگیر (بیمه‌شده اصلی) تحت عنوان مستمری بازماندگان پرداخت شده است. چنانچه بازماندگان موضوع تبصره الحاقی مدتی از مستمری استفاده نمایند و سپس حیات مستمری‌بگیر (بیمه‌شده اصلی) مشخص گردد، در این فرض مستمری‌بگیر بازنشسته یا از کارافتاده، حقی بر وجوهی که به بازماندگان پرداخت شده است ندارد. همچنین نمی‌تواند به صندوق بیمه‌ای مربوط نیز مراجعه نماید. زیرا صندوق بیمه‌ای به تکلیف قانونی خود عمل کرده است و نمی‌توان از این جهت مسئولیتی متوجه آن دانست.

مطلب دیگری که در همین قسمت قابل تأمل است مربوط به وجوهی است که تحت عنوان مستمری به حساب مستمری‌بگیر بازنشسته یا از کارافتاده (به عنوان مثال برای مدت ۲ سال) واریز شده است و طی این مدت نه مستمری‌بگیر اصلی جهت دریافت مستمری خود مراجعه نموده و نه بازماندگان مستمری‌بگیر به منظور اعمال تبصره الحاقی به ماده ۸۰ اقدام نموده‌اند. به نظر می‌رسد بازماندگان مستمری‌بگیر نسبت به وجوه مذکور هیچ حقی ندارند و این وجوه جز اموال مستمری‌بگیر اصلی محسوب می‌گردد که تنها در صورت اثبات فوت مستمری‌بگیر به عنوان ما ترک متوفی می‌تواند متعلق حق طلبکاران مستمری‌بگیر قرار گیرد و یا به عنوان ماترک به ورثه مسترد شود. لکن در صورتی که حیات مستمری‌بگیر احراز شود وی می‌تواند با مراجعه به صندوق بیمه‌ای مستمری ایام گذشته را یکجا وصول نماید.

### نتیجه‌گیری

قانونگذار با علم به تفاوت ماهیت حقوقی نفقه و مستمری بازماندگان و نیز دشواری‌های پرداخت نفقه از محل اموال غایب مفقودالثر اقدام به وضع تبصره الحاقی به ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی نموده است که بر اساس آن چنانچه مستمری‌بگیر، مستمری خویش را در طی ۶ ماه مطالبه ننماید، بازماندگان واجد شرایط وی حق دارند از صندوق بیمه‌ای مربوط، تقاضا نمایند تا وجوه مستمری به آنان پرداخت گردد. در این حالت، مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی بیمه‌شده اصلی (شخص غایب) به مستمری بازماندگان تبدیل می‌گردد.

حکم مقرر در این تبصره صرفاً در مورد مستمری بازنشستگی و یا مستمری از کارافتادگی و صرفاً در همین مورد خاص جاری است. به عبارتی جاری شدن حکم این تبصره به هیچ وجه به معنی مرگ و یا حتی غایب مفقودالثر شناخته شدن مستمری‌بگیر نخواهد بود. از اینرو بازماندگان نمی‌توانند به صرف وجود شرایط جاری شدن حکم تبصره تقاضای جری سایر احکام مترتب بر اموال غایب مفقودالثر را داشته باشند.

## منابع و مأخذ

- امامی، سید حسن، (۱۳۷۷) حقوق مدنی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
- ایزانلو، محسن، (۱۳۸۸) «اثر خطای زیان دیده بر رجوع نهاد تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۴.
- بادینی، حسن، (۱۳۸۵) حقوق تأمین اجتماعی، جزوه درسی دوره کارشناسی حقوق دانشگاه تهران، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵.
- بادینی، حسن، (۱۳۸۷) «جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی ایران»، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴.
- پرتو، حمیدرضا، (۱۳۸۸) «ماهیت حقوقی مستمری بازماندگان در قانون تأمین اجتماعی»، مجله کانون وکلای دادگستری مازندران، شماره ۱۱.
- پروین، فرهاد، (۱۳۷۸) اثرات غیبت غایب مفقودالاثر در اموال و حقوق خانوادگی، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱ (صص ۴۵ تا ۸۴)
- حائری شاه باغ، سید علی، (۱۳۷۶) شرح قانون مدنی، جلد دوم، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، الفارق، جلد ۴، تهران: گنج دانش.
- شایگان، علی، (۱۳۷۵) حقوق مدنی، تهران: انتشارات طه.
- شکاری، روشن علی و اسماعیل کریمیان، (۱۳۹۰) طلاق زوجه غائب مفقودالاثر و آثار آن، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۱ (صص ۲۴۱ تا ۲۵۸)
- شهبازی، مرتضی، «حق برخورداری از تأمین اجتماعی: ویژگی‌ها، محتوا و اصول کلی حاکم بر آن»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ۹، ش ۳۰، ص ۳۹.
- صفایی، سید حسین و زینب خیریه، (۱۳۹۲) نفقه زوجه غایب مفقودالاثر در فقه و حقوق با رویکردی بر نظر امام خمینی، پژوهشنامه متین، شماره ۵۹، صص ۱۱۱ تا ۱۲۶
- طوسی، آبی جعفر محمد بن الحسن بن علی، (۱۳۸۸) ه ق، المبسوط فی فقه الامامیه، مطبعه الحیدریه.
- عراقی و دیگران، (۱۳۸۶) درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاسمی، محسن، (۱۳۸۵) «مستمری بازماندگان»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۸۵.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۰) امور حسبی غایب مفقودالاثر، تهران: انتشارات ققنوس.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۵) حقوق خانواده، تهران: نشر یلدا.
- نعیمی، عمران و همکاران، (۱۳۸۹) قانون تأمین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات جنگل.